

استقلال و استصواب

درباره انتخابات کانون وکلای مرکز



مهدی دادویی‌نژاد

دانشجوی دکتری حقوق عمومی و عضو کانون وکلا

انتخابات کانون وکلای مرکز که باید نماد دموکراسی صنفی و حرفه‌ای باشد، اکنون به عرصه‌ای برای تقابل نهادهای صنفی با مراجع نظارتی تبدیل شده است. آنچه در ماه‌های اخیر رخ داد، تنها یک ابطال گذرا نبود، بلکه حلقه‌های زنجیره‌ای از یک بحران ساختاری بود. انتخابات سی و سومین دوره هیئت مدیره با استناد به «تخلفات اداری» ای که هرگز شفاف توضیح داده نشد، باطل شد؛ درصالحیت‌های گسترده نامزدهای پیشین در انتخابات مجدد و صدور دادنامه‌ای با ابهامات حقوقی فاحش در سایه گسترش نوعی «نظارت استصوابی»، که پیشتر هم سابقه داشته، استقلال تاریخی نهاد وکالت را به محاق فرستاده است و به نوعی حق دسترسی مردم به عدالت را قربانی کرده است. داستان از آنجا آغاز شد که مرجع نظارتی، انتخابات اولیه را با ادعای نقض آیین‌نامه‌ها باطل کرد. اما دادنامه اصداری فاقد کوچکترین شفافیت حقوقی بود، به جای استناد به مواد مشخص قانونی مانند ماده ۲۸ آیین‌نامه داخلی کانون وکلا که از المات تبلیغات انتخاباتی را مشخص می‌کند، به کلی گویی‌هایی مانند «عدم رعایت تشریفات تبلیغات» بسنده شد. این ابهام‌به‌تنها حقوق دفاعی نامزدها را نقض کرد، بلکه گمانه‌زنی‌ها درباره دخالت نهادهای بالادستی را تقویت نمود. تناقض آشکارتر آنجا بود که بسیاری از نامزدهای حذف‌شده در دور دوم، پیشتر توسط همان هیئت نظارت در دور اول تأیید صلاحیت شده بودند؛ گویی «صلاحیت» نه معیاری حقوقی، که به ابزاری سیال برای حذف رقبای بدل شده است. افزون بر این، هیئت نظارت برخلاف ماده ۱۵ قانون وکالت که رسیدگی عادلانه به شکایات را الزامی می‌داند، بدون دعوت از طرفین با بررسی ادله آنها، حکم به ابطال انتخابات داد.

پس از ابطال، فرآیند انتخابات مجدد با پدیده‌ای مسبوق روبرو شد: درصالحیت‌های سیستماتیک نامزدهای مستقل و منتقد، با معیارهای مهمی مانند «اختلال در نظم عمومی» یا «عدم التزام به موازین».

بیشتر حذف‌شدگان کنونی، وکلای با سابقه‌ی فعالیت در حوزه‌های سیاسی، محیط زیستی، یا حقوق زنان و صنفی بوده‌اند. این شکل از الگوی حذف، فراتر از یک اشکال اداری، گویی به یک پروژه سیاسی تبدیل شده است. گویی سازوکار «نظارت استصوابی» دوباره به میدان آمد؛ سازوکاری که پیشتر در انتخابات سیاسی به منزله ابزاری برای دستیابی به نتایج دلخواه استفاده می‌شد و اکنون پایش به نهادهای صنفی باز شده است. در این الگو، هیئت‌های نظارتی با تفسیرهای سلیقه‌ای از قوانین، حق نامزدی را به امتیازی مشروط تبدیل می‌کنند و هر صدای مستقل و منتقد را خاموش می‌سازند. تمرکز درصالحیت‌ها بر وکلای فعال در پرونده‌های حقوق بشری یا منتقدان عملکرد قوه قضائیه، گویی نوعی جهت‌گیری سیاسی در این فرآیند است.

استقلال کانون وکلا، که به معنای عدم وابستگی این نهاد به قوای حاکمیتی است، همواره در طول تاریخ ایران با چالش‌هایی روبرو بوده است. از دوره مشروطه تا امروز، وکلا به عنوان قشری آگاه در تحولات سیاسی نقش ایفا کرده‌اند. اما آنچه امروز رخ می‌دهد، کم‌سابقه است: استفاده از مکانیسم‌های به ظاهر قانونی مانند نظارت استصوابی، برای تحمیل گفت‌وگو یک‌دست بر نهادهای که ذاتاً باید چندصدایی باشند. این روند نه تنها با قانون وکالت ایران، که استقلال کانون‌ها را به رسمیت می‌شناسد، در تعارض است، بلکه

نقض صریح اعلامیه جهانی استقلال وکالت (۱۹۹۰) نیز محسوب می‌شود؛ اعلامیه‌ای که ایران به آن پیوسته و تصریح می‌کند: «هیچ نهادهی نباید در فرایندهای صنفی وکالت دخالت کند.»

پیامدهای این بحران فراتر از حرفه وکالت، عدالت و حقوق شهروندی را نشانده رفته است. حذف وکلای مستقل، حق مردم در دسترسی به دفاعی موثر را محدود می‌کند. بی‌اعتمادی به سلامت انتخابات صنفی، به بی‌اعتمادی عمومی به کل نظام قضایی دامن می‌زند. کاهش کیفیت خدمات حقوقی ناشی از حذف وکلای باتجربه، شهروندان را در برابر خودسری‌های قضایی بی‌پناه می‌سازد. نهادهای بین‌المللی مانند اتحادیه بین‌المللی وکلا بارها نسبت به محدودیت‌های فرآینده علیه وکلای مستقل در ایران هشدار داده‌اند. در گزارش اخیر «عدالت برای ایران» آمده است: «حذف سیستماتیک وکلای مستقل، نقض آشکار اصل ۳۵ قانون اساسی ایران است که حق دسترسی به وکیل را تضمین می‌کند.»

تجربه کشورهایی مانند ترکیه و مصر نیز نشان می‌دهد که گسترش نظارت استصوابی بر نهادهای مدنی، پیش‌درآمدی برای سرکوب جامعه حقوقی و محدودسازی دادرسی‌های عادلانه بوده است. در ترکیه، پس از کودتای ۲۰۱۶، بیش از ۱۵۰۰ وکیل به اتهامات مبهم بازداشت شدند و پروانه‌های وکالت‌شان لغو گردید. این روند به کاهش ۳۰ درصدی اعتماد عمومی به دستگاه قضایی انجامید. در ایران نیز، اگر استقلال وکالت از میان برود، شهروندان نه تنها به وکلای مستقل دسترسی نخواهند داشت، بلکه امکان نظارت بر عملکرد قضات و افشای فسادهای قضایی نیز از بین خواهد رفت.

این امر هم، چرخه معیوبی از خودکامگی را تقویت می‌کند که در نهایت به حاکمیت قانون آسیب می‌زند. دموکراسی صنفی به معنای حق اعضای یک حرفه برای تنظیم امور داخلی خود، از طریق انتخابات آزاد و مشارکت در تصمیم‌گیری‌هاست. در مورد کانون وکلا، این اصل به معنای آن است که وکلایا بدین‌توانند بدون مداخله نهادهای بیرونی، نمایندگان خود را انتخاب کنند. آیین‌نامه‌های حرفه‌ای را تدوین نمایند، و بر عملکرد همکاران‌شان نظارت داشته باشند. این سازوکار نه تنها تضمین‌کننده پاسخگویی نهادهای صنفی است، بلکه به وکلا این اختیار را می‌دهد تا در برابر فشارهای سیاسی یا اقتصادی، از کین حرفه خود محافظت کنند. قلب دموکراسی صنفی، برگزاری انتخابات‌هایی است که در آن همه اعضا حق نامزدی و رأی دادن داشته باشند. هیئت‌های نظارت باید از درون جامعه وکالت و با رأی مستقیم وکلا انتخاب شوند، نه از سوی مراجع بالادستی.

اما آنچه در انتخابات اخیر کانون وکلای مرکز رخ داد، نقض آشکار این اصول بود. درصالحیت‌های گسترده و دخالت نهادهای نظارتی بیرونی، دموکراسی صنفی را به چیزی شبیه به نمایشی فرمایشی تبدیل کرده است. جامعه حقوقی ایران می‌تواند با بازنگری در قوانین صنفی، تقویت نهادهای نظارتی مستقل، و افشای مداخلات غیرقانونی، از فروپاشی استقلال وکالت جلوگیری کند. تشکیل اتحادیه‌های فراصنفی، استفاده از ظرفیت‌های حقوقی بین‌المللی، و آگاهی‌بخشی به افکار عمومی، از جمله راهکارهایی است که می‌تواند ضامن امتداد مشروعیت نهاد وکالت باشد.

کانون وکلای مرکز امروز در تقاطعی تاریخی قرار گرفته است، از یکسو، فشار برای تبدیل این نهاد به بازوی قوه قضائیه روز به روز بیشتر می‌شود. از سوی دیگر، تاریخ به وکلا یادآوری می‌کند که سکوت در برابر بی‌عدالتی، خیانت به سوگندنامه این حرفه است. استقلال وکالت تنها یک امتیاز صنفی نیست؛ سنگ‌بنای حق دفاع شهروندان و ضامن اجرای عدالت است. نادیده گرفتن این اصل، نه تنها جامعه حقوقی، که تمامی شهروندان را در برابر خودسری‌ها خلع سلاح می‌کند.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

بررسی آنچه ترامپ در نشست ریاض

درباره ایران و مقایسه آن با کشورهای عربی مطرح کرد

تصویر سازی دریابان



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن



اولین بخش از سفر چهارروزه رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا به پایان رسید و او روز گذشته عربستان را به مقصد قطر ترک کرد. دونالد ترامپ، پیش از ظهر دیروز وارد ریاض شد و مورد استقبال محمد بن سلمان، ولیعهد و مرد شماره ۱ عربستان سعودی قرار گرفت. در جریان این سفر، اعلام شد که شرکت اقتصادی عربستان و ایالات متحده به ۶۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید و دو طرف قرارداد همکاری راهبردی اقتصادی امضا کردند. همچنین یک قرارداد ۱۴۲ میلیارد دلاری تسلیحاتی نیز از سوی ترامپ و بن سلمان به امضا رسید. بر اساس اعلام محمد بن سلمان، همکاری اقتصادی میان دو کشور به یک تریلیون دلار می‌رسد. اگر چه در حال حاضر مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و آمریکا منحصراً به موضوع هسته‌ایست، اما ترامپ در جریان سخنرانی خود در ریاض، نشست شورای همکاری خلیج فارس و همچنین نشست خبری که عصر دیروز در قطر با امیر این کشور داشت، سهم بیشتری برای سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی و حمایت از گروه‌های نیابتی قائل شد تا مسائل هسته‌ای؛ موضوعی که احتمالاً با توجه به تغییرات اساسی در منطقه و تضعیف محور مقاومت، از سوی کشورهای عربی جنوب خلیج فارس از او درخواست شده باشد. البته در این برهه از زمان، برخلاف دوران مذاکرات برجام کشورهای عربی منطقه از توافق میان ایران و آمریکا حمایت می‌کنند. پیش از این سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه در سفری فشرده به ریاض و ابوظبی رفته بود که محور آن به مذاکرات ایران و آمریکا اختصاص داشت.

❖ در شرط ترامپ

ترامپ روز چهارشنبه پیش از ترک ریاض، درنشستی با رهبران شورای همکاری خلیج فارس نیز شرکت کرد و با تکرار ادعاهای خود درباره سیاست خاورمیانه‌ای و فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، ادعا کرد که مایل است با ایران به توافق برسد. ترامپ گفت: «کشورهای حاشیه خلیج فارس در خط مقدم ایجاد منطقه‌ای با ثبات، در صلح و شکوفا قرار دارند. من شاهد اتحاد و دوستی چشمگیری میان شما بوده‌ام. تمام جهان نظاره گر غرب آسیاست و بسیاری نیز نگاه حسادت‌آمیزی به آن دارند.» رئیس‌جمهور آمریکا گفت: «اگر فقط بتوانیم تأثیر بد خصومت گروه کوچکی از بازیگران بدرامتوقف کنیم، فرصت‌های فوق‌العاده‌ای برای این منطقه وجود دارد.» او با انتقاد از دولت پیشین آمریکا گفت: «دولت باین (رئیس‌جمهور پیشین آمریکا) اساساً بی‌کفایتی، با قدرت دادن به ایران و نیروهای نیابتی آن و سرازیر کردن میلیاردها دلار برای آن‌ها و پیرانی و آشفتگی به‌بار آورد. واقعاً احمقانه بود و آن را باورم نمی‌شد. آن روزها به سر رسیده‌اند و افراد حاضر در این جمع واقفند که من به چه چیزی وفادارم؛ هیچ‌گاه تزلزلی در آن ایجاد نشده است. ما در کنار دوستان و متحدان مان می‌مانیم و با خصومتی مقابله خواهیم کرد که همه‌ما را تهدید می‌کند.» ترامپ با تکرار ادعاهای پیشین در خصوص تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای و با اشاره به چهار دور مذاکرات غیرمستقیم میان دو کشور، اظهار داشت: «من می‌خواهم با ایران توافق کنم. می‌خواهم اگر امکان‌ش باشد، کاری انجام بدهم اما برای این کار، (ایران) باید فعالیت‌های خود در منطقه را متوقف و مهم‌تر از همه، برای همیشه و به‌صورت راستی آزمایی شده، تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای را متوقف کند. آن‌ها نمی‌توانند یک سلاح هسته‌ای

گزارش یک

داشته‌باشند. فکر نمی‌کنم کسی در این جمع نیز بگوید که می‌توانند داشته‌باشند. از تمام کشورها می‌خواهیم از تحریم‌هایی که علیه ایران وضع کرده‌ایم، حمایت کنند.» او با دعوت کشورها به رعایت تحریم‌های آمریکا علیه ایران، ادامه داد: «قویاً از تمامی کشورهایی خواهم به‌مادر اجرای کامل تحریم‌هایی که به‌تازگی علیه ایران اعمال کرده‌ایم، کمک کنند. ما همچنین تحریم‌های ثانویه‌ای اعمال کرده‌ایم که در برخی موارد تأثیر بدتری دارند.» او با تکرار ادعای دست داشتن ایران در حمله ۱۷ اکتبر و با دفاع از سیاست فشار حداکثری، بار دیگر گفت که ایران در زمان او ورشکسته بود و پولی برای حمایت از حماس و حزب‌الله نداشت.

❖ محورهای سخنرانی ترامپ

ترامپ در ریاض، سخنرانی مهمی در مجمع سرمایه‌گذاری سعودی - آمریکایی ایراد کرد که بخشی از آن به ایران ارتباط داشت؛ اظهاراتی که در سطح مقامات سیاسی و عموم مردم واکنش برانگیز شد. برخی از مردم در شبکه‌های اجتماعی به‌خصوص ایکس (توییتر) نوشتند که از شنیدن صحبت‌های ترامپ ناراحت شدند. رئیس‌جمهور آمریکا در صحبت‌های خود، ترکیبی از تحقیر و حرف‌های تکراری پیشین را به کار برد. او بار دیگر از این فرصت استفاده و بایند راه به‌خاطر راحت گرفتن به جمهوری اسلامی مورد انتقاد قرار داد و مدعی شد که ۱۷ اکتبر تأمین مالی کند. او سپس با خطاب قرار دادن ولیعهد عربستان گفت: «درحالی که شما در حال ساخت آسمان خراش هستید، ساختمان‌های تهران در حال ویران شدن هستند.» ترامپ سپس به جای تهدیدهای پیشین مبنی بر توافق با بمباران، این بار توافقی با فشار حداکثری عظیم را مطرح کرد و مدعی شد: «من می‌خواهم با ایران توافق کنم. اگر بتوانم بسیار خوشحال خواهم شد، اگر این توافق باعث شود منطقه شما و جهان جای امن‌تری شود. اما اگر آن‌ها شاخه زیتون را رد کنند، ما چاره‌ای نخواهیم داشت جز اعمال فشار حداکثری عظیم، رساندن صادرات نفت ایران به صفر و هر اقدام لازم برای جلوگیری از دستیابی آنان به سلاح هسته‌ای.» ترامپ ادعاهایی نیز درباره خلیج فارس مطرح کرد از جمله اینکه ایران می‌خواست نام آن را عوض کند؛ اما آن عبارت جعلی را به کار نبرد. او همچنین گفت که به‌دشمنی دائمی اعتقادی ندارد.

❖ واکنش پزشک‌های به سخنان ترامپ

مسعود پزشک‌هایان، رئیس‌جمهور دیروز در کرمانشاه به سخنان دونالد ترامپ در ریاض واکنش نشان داد و گفت: «او ایرانیان را نشناخته و نمی‌داند غیرت و جوانمردی و گذشت مردم ما چگونه است.» پزشک‌هایان پرسید: «اما خطرناکیم یا شمای که آمدید بمب و موشک به کشورهای منطقه بفروшите؟ ما یا شما که ۶۰ هزار زن و کودک را در یک سال در غزه نابود کردید؟ ما آب‌ونان را بر مظلومان بستیم یا شما؟ ما را می‌ترسانید؟ ما این مملکت را آباد خواهیم کرد و با قدرت آن را خواهیم ساخت.» پزشک‌هایان گفت: «طولی نخواهد کشید که مشکلات آب و برق و گاز را هم حل می‌کنیم.»

❖ ترامپ در نوه‌م است

محمدباقر قالیباف، رئیس‌مجلس که برای شرکت در نوزدهمین کنفرانس بین‌المجالس کشورهای اسلامی به جاکارتا، اندونزی سفر کرده بود، ریشه آشوب در منطقه غرب آسیا را حمایت‌های رژیم آمریکا از مافیای صهیونیستی



عکس: Getty Images

ترامپ با امیر قطر دیدار کرد

امضای قرارداد های ۱۲۰۰ میلیارد دلاری

آل ثانی امیر قطر قرار گرفت. آل ثانی و ترامپ دیداری دوجانبه داشتند و سپس در یک نشست خبری شرکت کردند. در جریان این سفر ۱۲۰۰ میلیارد دلار قرارداد میان دو طرف به امضا رسید. به گزارش الجزیره، در این دیدار که در کاخ سلطنتی دوحه انجام شد امیر قطر تصریح کرد که همه ما خواستار برقراری صلح در منطقه هستیم و ابزار امیدواری کرد

عربستان و نیاز به نو سازی سیاسی

سخنان ترامپ یاد آور تمجید کارتر از شاه ایران بود



غلامعلی دهقان

کارشناس سیاسی و مدرس تاریخ



ناخودآگاه سخنان ترامپ در مدح حاکمان عربستان مر یادشاد اول ژانویه ۱۹۷۸ میلادی یعنی دی‌ماه ۱۳۵۶ انداخت. در آن شب جیمی کارتر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، چنان تعریف غلوآمیزی از شاه ایران داشت که بعدها اسباب سرشکستگی وی شد. وی ایران آن موقع را «جزیره ثبات و آرامش» معرفی و از اقدامات پهلوی دوم بسیار ستایش کرد.

حالا ترامپ ۴۸ سال بعد چنان عربستان را با کشور های منطقه مقایسه می کند که انگار عربستان بهشت است و دیگر نقاط دوزخ. شبیه همان کار کارتر که انگار ایران جزیره ثبات بود و دیگر نقاط منطقه نازار. اما واقعیت چیز دیگری است. دستگاه حاکمه شاه از مدت‌ها پیش از سقوط نیاز به نوسازی سیاسی داشت؛ اما محمد رضا شاه که خود را عقل کل و شهروندان را رعیت فرض می کرد، به این ضرورت اعتنایی نکرد و زمانی